

مبانی و حدود اعمال حاکمیت دولت اسلامی در قراردادهای

محمود گنج بخش

چکیده

با گسترش روزافزون نابرابری اقتصادی و شکاف طبقاتی، در راستای تأمین منافع عمومی، دولت‌ها به طور فزاینده‌ای در قراردادهای خصوصی دخالت نموده‌اند. در مبانی و حدود این مداخله به لحاظ حقوقی و شرعی اختلاف شده است. در دیدگاه اول دخالت دولت‌ها در توافقات قراردادی فاقد مبنای صحیح حقوقی و شرعی است و در دیدگاه دوم دولت اسلامی موظف است به منظور اقامه قسط و عدل، در این قراردادهای اعمال حاکمیت نماید. این پژوهش از نوع توسعه‌ای و کاربردی است و هدف آن دستیابی به حدود تسلط دولت اسلامی در قراردادهای با الگوگیری از امامین انقلاب و بیانیه گام دوم می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و تجزیه تحلیل اطلاعات با روش تحلیل محتوای کیفی با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا دولت اسلامی می‌تواند با هدف بهبود نظام توزیع درآمد و در راستای مقتضیات عمومی و برقراری عدالت در قراردادهای خصوصی دخالت کند؟ در این نوشتار پس از تبیین حدود اعمال حاکمیت و وظایف حکمران ولایی، وظیفه حکومت اسلامی در اقامه قسط و جایگاه حقوق عمومی در برابر حقوق سنتی قراردادهای و میزان نفوذ حقوق عمومی در قلمرو حقوق خصوصی قراردادهای در دیدگاه‌های مختلف بررسی گردیده و با تحلیل دیدگاه بیانیه دوم حدود دخالت‌های دولت اسلامی در قراردادهای تا برقراری قسط و عدل تشریح شده است.

کلیدواژه: قراردادهای خصوصی، منافع عمومی، نظام توزیع درآمد، اقامه قسط و عدل، حدود اعمال

حاکمیت، بیانیه گام دوم

مقدمه

در شرایط بحران اقتصادی فعلی که نابرابری‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی روز به روز در حال افزایش است همه مردم به دنبال راه کار نظام ولایی هستند و چشم به تدبیر حکمرانان حکومتی دوخته‌اند تا در راستای تحقق آرمان‌های دولت تراز اسلامی در عصر غیبت با اعمال حاکمیت دولت اسلامی در عرصه‌های مختلف و از آن جمله در حوزه قراردادهای خصوصی شاهد اقامه قسط و عدل باشند. براساس نقشه راه رهبری، عدالت خواهی بایستی مطالبه عمومی شود و برای تحقق این مطالبه‌گری نیاز به گفتمان‌سازی داریم. عدالت‌ورزی در تنظیم و اجرا و قضاوت راجع به قراردادها و حقوق مالی از دغدغه‌های مهم امروز مردم است. در گذشته بحث و گفتگوهای دامن‌داری در این باره به وقوع پیوسته است. گمان می‌رود هنوز در خصوص چگونگی اعمال حاکمیت دولت اسلامی نظام متقن و مستحکمی که از مبانی فقهی و حقوقی استواری برخوردار بوده و نظریه برتر باشد در نهاد تقنینی و قضایی حاکمیت نیافته است. عمده مباحث مطرح شده مربوط به نظام ارزشی و جایگاه حاکم اسلامی می‌باشد و در بخش قانون‌گذاری، اداری، اجرایی و دادرسی حاکمیت نظام ولایی ظهور و بروز مناسبی نداشته است. مناقشه‌های پیرامون قانون کار که در نهایت با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام پایان یافت نمونه‌ای از این اختلاف نظرها می‌باشد. بحث و گفتگوها و گفتمان پیرامون یک موضوع به شناخت و درک مشترک و همه‌گیر جامعه در یک مقطع زمانی از مطالبی خاص اطلاق می‌شود و براین اساس گفتمان‌سازی در مورد لزوم اعمال حاکمیت دولت اسلامی در قراردادها و حقوق خصوصی افراد به منظور تحقق قسط و عدل به معنی فرایند همه گیرسازی این معرفت است. پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی حقوقی مبانی و حدود اعمال حاکمیت دولت اسلامی در قراردادها و در راستای گفتمان سازی و مطالبه‌گری عمومی انجام شده است.

پیشینه

با وجود برخی آثار علمی پیرامون موضوع تحقیق اما هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ زیادی مطرح می‌باشد. در ادامه به مهمترین پژوهش‌های صورت‌یافته اشاره می‌شود که نگارنده در تدوین این مقاله به آن‌ها مراجعه نمود.

در مبانی قراردادهای با رعایت حدود شرعی توجه به معیارهای عدالت اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد. بر اساس مقاله «مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام»، این معیارها عبارتند از: برخورداری یکسان از منابع و امکانات عمومی و طبیعی؛ همبندی از تولید براساس ارزش افزوده حاصله توسط هر یک از عوامل تولید، لزوم بهره‌برداری بهینه و کارا از کلیه ثروتها و اموال؛ و توازن درآمدها. (عیوضلو، ۱۳۸۹) برطبق این بررسی حاکم اسلامی به جهت تحقق عدالت و در حدود مصلحت می‌تواند در قراردادهای اعمال حاکمیت کند. در پژوهشی پیرامون « بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی » نویسنده با دفاع از حوزه عمومی و تقدم مصلحت جمعی بر منافع خصوصی مبانی فقهی این نظریه را تحلیل نموده است. (دانش‌پور، ۱۳۹۵) یکی از مصادیق عدول از معیارهای عدالت و موارد لزوم اعمال حاکمیت در قراردادهای خصوصی برخی از قراردادهای رایجی است که منجر به سفته بازی می‌شود و براین اساس در تحقیقی که در مورد «مقایسه تحلیلی سفته بازی و کارآفرینی از منظر اخلاق اسلامی و رشد اقتصادی» انجام گردید، به نظرنویسندگان برخی از قراردادهای رایج قابل انطباق با عقود محرم مانند بیع غرری، مقارمه و رهن می‌باشند که دولت اسلامی باید با اعمال حاکمیت آن‌ها را غیرقانونی اعلام نماید. (واعظ، معینی، درخشان) همچنین براساس این دیدگاه نویسنده مقاله «تاملی فقهی در بورس» اظهارنظر نموده است که از منظر فقه اجتماعی حاکمیت بایستی با بکارگیری ابزارهای منطبق بر شریعت مانع معاملاتی شود که سبب ظلم و اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۹۴) در نمونه مشابه نویسندگان مقاله «حق فسخ و انفساخ قراردادهای پیمانکاری دولتی» بر این باورند که حق فسخ قراردادهای پیمانکاری دولتی برای دولت به دلیل تخلفات پیمانکار و تدارک مقتضیات منافع عمومی پیش‌بینی شده است گرچه بازنگری در سازوکار قانونی آن لازم می‌باشد. بعنوان مثال در مقررات حق فسخ قراردادهای پیمانکاری دولتی در ایران برخی اصول حقوق عمومی مانند قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری اعمال نشده است. (ویژه، تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵) به نظر تعدادی از صاحب‌نظران از جمله نویسنده مقاله «رویکردهای تفسیر قانون اساسی در ایران و آمریکا» مقررات و اصول علمی حقوقی گاهی در تعارض یا تراحم با رویه حقوقی قرار می‌گیرد. توجه به واقعیات حقوقی جامعه از میزان این اختلاف می‌کاهد و راه تحقق بیشتر اصول شرعی و حقوقی را فراهم می‌نماید. در آموزه‌های علم اصول فقه که مبنای تفسیر قانون در ایران

است خواننده و ذهنیات او در فهم معانی الفاظ، مورد توجه کمتری قرار دارد و به این جهت تاکنون اندیشه عمل‌گرایی هیچ‌گاه در نزد شیعیان پذیرفته نشده است. (نیکوگفتارصفا، ۱۳۸۷) قواعد حمایت شده حاکمیت اسلامی در قراردادها بعنوان جزئی از نظام حقوقی بایستی از سیاست‌های کلی نظام اسلامی تبعیت نماید. بخشی از این سیاست‌ها به‌طور کلی در بیانیه گام دوم تبیین شده است. با توجه به پژوهشی که درباره «بازسازی معماری سازمان ناجا بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» انجام شده است محتوای دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص مبانی و حدود اعمال دولت اسلامی بر مبنای شاخص‌های کیفی و در پنج مقوله «نظام انقلابی»، «تمامیت ارضی»، «امنیت اقتصادی»، «مدیریت جهادی» و «تمدن نوین اسلامی» طبقه‌بندی و تبیین شده‌اند. (محمودلی و صفر آهنگ، ۱۳۹۸)

منافع و مقتضیات عمومی

منافع عمومی مانند امنیت اقتصادی یکی از این ضروریات اساسی می‌باشد که در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تأکید شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، (و) ۱۳۹۷) در راستای تحقق امنیت اقتصادی یکی دیگر از مصادیق منافع عمومی، منافع صنفی کارگران می‌باشد. در اغلب موارد این منافع در قالب اقدامات جمعی پیگیری می‌گردد. اعتصابات و درگیری‌های کارگران با کارفرمایان منجر به قانونی شدن تجمعات و اقدامات گروه‌های کارگری (سندیکاها) شد و دولت‌ها نیز به منظور حفظ نظم عمومی و در مقام حمایت از کارگران وارد عمل شدند این اقدام مقامات عمومی کم‌کم در تمام شئون روابط کار گسترش یافت، تا حدی که موضوع از سطح کشورهای محدود خارج و به صورت معضل جهانی درآمد. در نهایت عزم بین المللی در سال ۱۹۱۹ با اجازه عهدنامه ورسای، سازمان بین‌المللی کار را تأسیس نمود. دولت‌ها ضمن به رسمیت شناختن آزادی جمعی (سندیکایی)، به جهت اعمال حاکمیت سیاست‌های حمایتی خود را از راه‌های زیر اعمال می‌نمایند: قانون‌گذاری، بازرسی و نظارت، دادرسی و داوری دعاوی کار و تضمین نتایج آن، اداره مستقیم کارگاه در برخی موارد، سیاست‌گذاری اشتغال، سیاست‌گذاری اصلاحات اقتصادی. در بعد قانون‌گذاری، اولین قانون کار ایران در سال ۱۳۲۸ با ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره به تصویب رسیده و بموجب آن وزارت کار ایجاد شد. دومین قانون کار کشور با ۶۹ ماده و ۳۳ تبصره در سال ۱۳۳۷ وضع و در

سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ و ۱۳۵۲ با تغییراتی مواجه شد. قانون آمره تأمین اجتماعی نیز که با امور کارگری ارتباط تنگاتنگ دارد در سال ۱۳۵۴ تصویب شد. اما کامل‌ترین قانون کار ایران بالگویی انقلابی در آبان سال ۱۳۶۹ با ۲۰۳ ماده و ۱۲۱ تبصره به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید که مکمل قانون بیمه بیکاری بود که در شهریور همان سال به تصویب مجلس رسیده بود. پس از آن مقررات فراوان و آراء زیادی از مراجع قانونی صادر گردید که موجب غنای حقوق کار شد، اما به نظر می‌رسد در گام دوم انقلاب اسلامی با الهام از بیانیه رهبرفرزانه انقلاب و اعمال حاکمیت ولی فقیه بایستی بازنگری اساسی در قانون‌گذاری مرتبط با کار بعمل آید. در مطابقت این‌گونه مقررات با ضوابط شرعی می‌توان گفت، گرچه در فقه اسلامی اصل اولیه رعایت حقوق افراد می‌باشد و تازمانی که ضرورت اساسی اجتماعی ایجاب نکند، مصلحت آن است که حقوق خصوصی افراد بطور کامل رعایت گردد. (دانش‌پور، ۱۳۹۵) اما سیستم حقوقی ما پذیرفته است که در موارد مصلحت نظام و به جهت رعایت منافع و مقتضیات عمومی امکان وضع مقررات خاص وجود دارد.

منافع و مقتضیات عمومی در نظام حکمرانی ولایی نقش برجسته‌ای دارد. گاهی اعطای اختیارات گسترده به مقامات دولتی مغایر با این منافع می‌باشد. به عنوان نمونه حق فسخ قراردادهای پیمانکاری دولتی به دو علت، تخلفات پیمانکار و تدارک مقتضیات منافع عمومی، در شرایط عمومی پیمان تعبیه شده است. در خصوص موضوع دوم، ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان، حق فسخ گسترده‌ای به مقام‌های اداری می‌دهد. تفکیک‌های صورت پذیرفته میان موجبات اختتام قراردادهای اداری، منطبق با استانداردهای حقوق خصوصی نیست. البته استقلال حقوق قراردادهای اداری مانع از رعایت استانداردهای تفکیک میان مفاهیم حقوقی نخواهد بود. حفظ تعادل و توازن مالی قرارداد، لازمه تنظیم منطقی حق فسخ و انفساخ محسوب می‌شود و پیش‌بینی اختیارات نامحدود برای کارفرمای دولتی نه تنها به فساد اداری می‌انجامد، بلکه تعادل قرارداد را برهم زده، مانع مشارکت بخش غیردولتی در انجام امور عمومی می‌گردد که این موضوع برخلاف منافع و مقتضیات عمومی است. (ویژه، تنگستانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵) این‌گونه اختیارات وسیع گاهی موجب فساد شده و اسباب بی‌اعتمادی به حاکمیت اسلامی را فراهم می‌نماید. در موارد اختلافی نیز باید رعایت شأن و جایگاه دولت اسلامی بشود. «اگر یکوقت اختلاف اجتهاد در کار باشد؛ مثل سایر مسائل شرعیه اختلاف اجتهاد در کار باشد، ... دشمن بیدار است... و هُن

وارد شدن بر یک جامعه اسلامی است. (امام خمینی (ره)، تحلیلی از قیام ۱۵ خرداد، عملکرد دولت و رسالت علما و روحانیون، ۱۳۴۳) در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضای می‌کند که نظرات اجتهادی فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است دراموری مانند منافع و مقتضیات عمومی بازنگری در فتاوی‌ای گذشته لازم است و به همین جهت معمارانقلاب فرمودند که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد. (امام خمینی (ره)، منشور برادری - مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی، ۱۳۶۷) اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. (امام خمینی (ره)، تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران - رسالت حوزه‌های علمیه - منشور روحانیت، ۱۳۶۷) تغییر مورد نظر رهبرکبیر انقلاب اسلامی اتفاق نیفتاد بنابراین معظم‌له فرمودند: تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. این بحث‌های طلبگی مدارس، که در چهارچوب تئوری‌هاست، نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد. (امام خمینی (ره)، اختیارات «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و تذکر به شورای نگهبان، ۱۳۶۷)

نابرابری اقتصادی و شکاف طبقاتی

از آنجا که تحقق قسط و عدل از اهداف اولیه دولت اسلامی است و عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند. حاکمیت اسلامی بایستی با استفاده از دستگاه‌های نظارتی و با قاطعیت و حساسیت، مانع شکل‌گیری نطفه‌ی فساد شده و با رشد آن مبارزه کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷) عدالت به مفهوم رعایت تساوی در استحقاق‌های مساوی است. (مطهری، ۱۳۹۳: ۵۹) براساس قاعده «ما حکم به الشرع حکم به العقل» عدل در سلسله دلایل احکام و موارد اعمال حاکمیت مطرح می‌شود نه در نتیجه حاکمیت اسلامی. به عبارتی دیگر آنچه حکومت اسلامی وضع کرد الزاماً عدل نیست ولی حاکمیت اسلامی باید آنچه مقتضای عدل است را اعمال نماید. یکی از اصول عدالت رعایت کرامت انسانی است که قانون اساسی نیز بر آن تأکید نموده است. به نظر برخی از فقها بین کرامت انسانی و اقدامات مثبت اقتصادی و اعمال حاکمیت دولت اسلامی به منظور برطرف نمودن محرومیت و کاهش شکاف طبقاتی رابطه مثبتی برقرار می‌باشد و نفی محرومیت و نابرابری اقتصادی از تکالیف دولت است. بنابراین حفظ کرامت انسانی مردم در گرو مسئولیت‌پذیری و اقدامات عملی نظام سیاسی می‌باشد. (قائمی، مددی، ۱۳۹۷: ۱) براین اساس مهمترین لوازم کسب کرامت انسان عبارت است از: تأمین حق حیات، حق آزادی (آزادی در انتخاب، آزادی بیان، آزادی تشکیل اجتماعات و آزادی اندیشه)، حق برخورداری از عدالت و نیز تساوی در برخورداری از امتیازهای اجتماعی برای همه انسان‌ها. (یدالله‌پور، مؤدب، ۱۳۹۳: ۷۵) نابرابری اقتصادی و شکاف طبقاتی ناشی از قراردادهای اجحاف‌آمیز مغایر اصل کرامت انسانی می‌باشد. براین اساس در ماده ۱۰ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص حقوق شهروندی در نظام اداری «حق مصون بودن از شروط اجحاف‌آمیز در توافق‌ها، معاملات و قراردادهای اداری» پیش‌بینی شده است. (شورای عالی اداری، ۱۳۹۵) گرچه شایسته بود که این موارد در مجلس شورای اسلامی بحث می‌شد و مصوبه مربوطه در خصوص همه شروط اجحاف‌آمیز چه در قراردادهای اداری و چه سایر قراردادهای و در بخش دولتی و عمومی و خصوصی وضع می‌گردید اما بر طبق این مقرر «۱- دستگاه‌های اجرایی باید از تحمیل قراردادهای اجحاف‌آمیز به مردم خودداری کنند. منظور از قرارداد اجحاف‌آمیز قراردادی است که به موجب آن دستگاه اجرایی با استفاده از موقعیت برتر خود یا ضعف طرف مقابل، شرایط غیرعادلانه‌ای

را به ایشان تحمیل کند.» از آنجاکه در تطبیق قراردادهای با قرارداد اجحاف‌آمیز اختلاف نظر می‌باشد. شروط ناعادلانه‌ای که ممکن است در قرارداد ذکر شود به شرح زیر بیان شده است که هم به احصای مذکور در این مصوبه ایراد وارد است و هم به نحوه اجرایی شدن آن. بر مبنای مصوبه شورای عالی اداری «۲- قراردادهایی که شروط زیر در آنها گنجانده شوند، اجحاف‌آمیز تلقی می‌گردند: الف- شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی طرف مقابل خود را به انجام یا عدم انجام کاری متعهد می‌سازد که پیش از انعقاد قرارداد هیچ فرصتی برای آگاه شدن از مفاد آن شرط نداشته است. ب- شرطی از سوی دستگاه اجرایی که طرف مقابل آن به دلیل کهولت سن، بیماری، ناتوانی ذهنی، فشارهای روانی، کم‌سواد، بی‌سواد یا جهل نسبت به امور مرتبط، از ارزیابی مفاد یا آثار آن ناتوان باشد. ج- شرطی که به موجب آن، هیچ نسخه‌ای از قرارداد در اختیار طرف دیگر قرارداد قرار نمی‌گیرد. د- شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را مجاز می‌سازد تا در زمان تحویل کالا یا ارائه خدماتی که قرارداد آن قبلاً منعقد شده است، به تشخیص خود و رأساً قیمت را افزایش دهد. ه- شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی، حق مراجعه به مراجع قضایی را از طرف دیگر سلب نماید. و- شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را مجاز بداند هر زمان که بخواهد یک طرفه قرارداد را فسخ کند بدون آنکه خسارت عادلانه‌ای از این بابت به طرف دیگر قرارداد بپردازد. ز- شرطی که به موجب آن، دستگاه اجرایی خود را حتی در صورت ارتکاب تقصیر، از مسئولیت معاف سازد. ک- شرطی که به موجب آن، حقوق معنوی ناشی از مالکیت‌های فکری، بدون پرداخت بهای عادلانه به دستگاه اجرایی منتقل شود. ل- شرطی که بدون وجود هر گونه توجیه معقول، استفاده طرف قرارداد از تضمین یا بیمه‌ای که به موجب مقررات به نفع او برقرار شده است را غیرممکن یا بسیار دشوار سازد.» در جهت رفع بی‌عدالتی‌های نظام قراردادی موجود «۳- واحدهای حقوقی، امور قراردادهای و یا عناوین مشابه در دستگاه‌های مشمول این مصوبه مکلفند بر اساس مفاد این ماده نسبت به بازبینی و اصلاح فرم قراردادهای خود اقدام نمایند.»

نابرابری اقتصادی ریشه‌های زیادی دارد. گاهی به علت وجود ارتباطاتی که برخی کارفرمایان با حاکمیت دارند، مزد واقعی کارگران پرداخت نمی‌شود. شرکت‌های خارجی و یاداخلی پرنفوذ با دامپینگ، فعالین بازارکسب و کار کشور را ورشکست می‌نمایند و بابت انضباطی بازار کار فرصت‌های اشتغال جوانان یکی پس از دیگری از بین می‌رود یا اینکه اموال عمومی در پوشش مزایده به حراج می‌رود، پروژه‌های ملی و

منطقه‌ای با مناقصه ظاهری به افراد نورچشمی و ذی نفوذ واگذار می‌گردد، اموال و زمین‌های مردم به زور تملیک می‌شود و هیچ دادرسی عادلانه‌ای برای آن‌ها برقرار نمی‌شود. دولت اسلامی موظف است به منظور اقامه قسط و عدل، در قراردادهای به ظاهر صحیح این‌گونه موارد اعمال حاکمیت مناسب نماید و مانع گسترش فقر در جامعه اسلامی شود. این امر، به ویژه در مواقعی که مردم از نابرابری بیشتر توزیع درآمد، رنج می‌برند مطرح می‌شود. «تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ براین اساس غفلت دولت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ بهانه‌ای مورد قبول نیست.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

نظام توزیع درآمد و ثروت

اقتصاد علمی است که به شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات، از منابع محدود یا غیرآماده، به منظور مصرف به‌کار می‌گیرد اطلاق می‌شود. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۳۶) به نظر برخی علم اقتصاد به بررسی روش‌های استفاده از منابع کمیاب برای تولید کالاها و خدمات و توزیع آن بین افراد و گروه‌ها می‌پردازد. (ساموئلسون، ۱، ترجمه پیرنیا، ۱۳۵۰: ۱۵) یکی از اهداف اقتصاد یافتن راه‌های مناسب برای تولید بیش‌تر، توزیع عادلانه‌تر ثروت و تأمین زندگی آسوده‌تر می‌باشد. اما مکتب اقتصادی برخلاف علم اقتصاد که به تجزیه و تحلیل رویدادها و پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد، مجموعه‌ایی از اصول ارزشی و بایدها و نبایدهای کلی است. (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۵) هرکدام از مکاتب اقتصادی اسلام، سوسیالیسم و سرمایه‌داری در ارتباط با حدود دخالت دولت در قراردادها نظر خاص خود را دارند. کمترین دخالت دولت در اقتصاد، دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک می‌باشد. به نظر این گروه بازار یا نظام قیمت‌ها با استفاده از سه نقش اصلی اطلاع‌رسانی، پدیدآوردن انگیزه و توزیع درآمدها فعالیت‌های اقتصادی را سامان می‌دهد. ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی در نظام حقوقی و قراردادی و توزیع غیرعادلانه ثروتها و درآمدها می‌باشد. براساس نظریه

^۱ پل ساموئلسون (Paul Samuelson) اقتصاددان معاصر و برنده جایزه نوبل رشته اقتصاد در سال ۱۹۷۰.

مبانی و حدود اعمال حاکمیت دولت اسلامی در قراردادها

مصرف در اقتصاد خرد، مصرف‌کننده همواره درصد بیشینه کردن مطلوبیت ناشی از مصرف کالا و خدمات است و حاکمیت نیز بایستی در همین راستا اقدام نماید. ولی در نقطه مقابل دولت اسلامی نبایستی از خواسته‌های نفسانی بی‌قید و شرط پیروی کند و به جای آن بایستی در جهت تأمین نیازهای عمومی حرکت کند و نظام حقوقی و قراردادی را در این مسیر قرار دهد. دولت باید با نظام‌سازی لازم بر مطلوبیت خیر رسانی جمعی بیفزاید به نحوی که از سودرسانی به دیگران منفعتی بیشتر از بی‌عدالتی عاید فرد گردد. از موارد مهم قابل توجه در این نظام‌سازی تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور است که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت، توزیع عدالت‌محور، مصرف به اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

اقامه قسط و عدل وظیفه اولیه دولت تراز اسلامی در عصر غیبت

قران هدف پیامبران الهی و مردم پیرو آن‌ها را اقامه قسط از طریق ابزار قدرت بیان فرموده است. (قران مجید، آیه ۲۵ حدید، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۵) عدالت اجتماعی و آزادی از مفاهیم اصیل اسلامی است اصل هدف بعثت همه‌ی انبیا برای این بوده است که عدل اجتماعی، عدل اقتصادی در بین مردم برقرار گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، الف) (۱۳۹۹) البته با تأکید بر اینکه اقامه قسط وظیفه مردم است نه پیامبران. (آیت‌الله خامنه‌ای، د) (۱۳۹۸) همه انبیا و به‌طور خاص پیامبر اسلام (ص) و حکومت اسلامی ولی فقیه در عصر غیبت، در پی ایجاد و گسترش جامعه‌ای بوده‌اند که به بیان قرآن «حیات طیبه» را برای آدمی به ارمغان آورد. دست‌یابی به چنین جامعه‌ای ممکن نیست، مگر آنکه تمامی مناسبات اجتماعی بر محور عدالت شکل گیرد. عدالت به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. در بعد اقتصادی تحقق عدالت منوط به تهیه برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌ها و پیگیری با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت در تحقق این برنامه‌هاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷) البته مبارزه با آسیب‌های برنامه و فساد نیز لازم است و نکته مهم اینکه مرکز مبارزه با

مفاسد اقتصادی دولت است و قوه قضاییه در مرحله نهایی قرار دارد. تنظیم لایحه، پیگیری و مطالبه از مجلس، دقت در اجرا، جدی گرفتن مسأله مبارزه و تدوین بخشنامه‌های لازم وظیفه دولت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، (۵) ۱۳۸۲) در تحقق عدالت حقوق عمومی بر حقوق خصوصی اولویت دارد. علاوه بر حقوق عمومی، حقوق ثابت شده خصوصی را نیز می‌توان نوعی حقوق عمومی درجه دوم تلقی کرد، زیرا اقامه قسط و عدل و تامین و تضمین حقوق شهروندان از وظایف ذاتی و اولیه دولت تراز اسلامی است که نیازی به اعمال حق دادخواهی صاحب حق ندارد و تشریفات دادخواهی صرفاً مقدمه اهتمام دولت به انجام دادن وظیفه خود می‌باشد و شکایت شهروندان جنبه اعلامی دارد. (عمیدزنجانی، محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰) اقامه قسط و اجرای عدالت علوی بااراده جوانها ممکن است (آیت‌الله خامنه‌ای، (و) ۱۳۹۷)

جایگاه حقوق عمومی در برابر حقوق خصوصی

«تنهایی دوستی» و «معاشرت جویی» از ویژگی‌های ذاتی هر انسان است که باوجود چالش مداوم، بایکدیگر پیوند عمیقی دارند. انسان‌ها در نتیجه تنهایی دوستی بدنبال استقلال فردی بوده و با دخالت دولت به نمایندگی جامعه در زندگی خصوصی خود مخالفت می‌کنند ولی از طرف دیگر انسان به طور فطری اجتماعی است و در جستجوی معاشرت با دیگران می‌باشد که به طور طبیعی و متعارف در این ارتباط انسان‌ها با یکدیگر تعارض و تزاخم منافع پیش می‌آید. دراین حالت با دخالت ابزارهای کنترلی جامعه، نظم برقرار می‌گردد. نیاز فطری به رابطه اجتماعی سبب تعامل بین این دو ویژگی فطری می‌شود. احکام مصلحتی جامعه در مورد سلب جزئی یا کلی حقوق خصوصی با ملاحظه اصول اساسی فقهی بنابر مقتضیات زمان و مکان در زندگی، جلوه‌های گوناگونی دارد. فقه اسلامی با مبانی محکم از جمله حامیان متقدم حمایت از حریم خصوصی به‌شمار می‌آید و این حق اساسی را در حقوق قراردادی در قالب مصادیقی مانند منع تجسس و تفتیش بیان نموده است. (دانش‌پور، ۱۳۹۵) در نظام حقوقی کشورمان که مبتنی بر شرع انور است ضمن تأیید نظریه «خدمات عمومی» آن را به‌عنوان اصلی‌ترین مبنای وجودی دستگاه اداری دولت محسوب نموده است. توجه خاص به این مطلب در اصول ۳، ۲۹، ۳۰، ۴۳ قانون اساسی مشاهده می‌گردد. (رضایی زاده، کاظمی، ۱۳۹۱) مباحث «خدمات عمومی» در چارچوب حقوق و منافع عمومی به‌صورت استثناء بر آزادی طرفین در انعقاد قراردادها مطرح می‌شود که در نگاه حداقلی

علمای دینی آن را تأیید نموده‌اند ولی برای استخراج تمامی احکام حقوق عمومی مرتبط با قراردادها از فقه و نظریه پردازی نوین، ضمن تأکید بر فقه سنتی بایستی مباحث جدید توسط فقها شناسایی گردد و در مباحث قدیمی تحولات محتوایی ایجاد شود. برای ورود جدی به این عرصه و تولید دانش حقوقی متناسب جامعه، اطلاع از نحوه استناد به ادله اربعه فقهی و مطالعه تطبیقی آرای فقهای بزرگ الزامی است. در بخش هایی نظیر قراردادهای اداری به مفهوم جدید که در گذشته برای فقها مطرح نبوده است بایستی به اعتبار «اجماع» عنایت خاص مبذول داشت. در راستای تبیین حدود اعمال حاکمیت حاکم اسلامی در قراردادهای خصوصی و به لحاظ تأمین حقوق و منافع عمومی می توان به قواعد عمومی فقهی مانند اصل مصلحت رجوع نمود. این اصل روحی در کالبد حقوق عمومی از منظر اسلام می دمَد که در نتیجه آن بسیاری از مداخله های قراردادی دولت تفسیر می شود. با وجود این دقت در تعیین و حفظ مرزهای مصلحت مردم و نظام در قراردادهای خصوصی و جلوگیری از بروز تقابل میان آن ها از چالش های اساسی حقوق عمومی در اسلام محسوب می گردد. مهمترین وظایف اساسی و مداخلات لازم دولت «در زمینه مراعات حقوق عمومی در ارتباط قراردادی افراد از نگاه فقه اسلامی» به ترتیب زیر می باشد:

درفقه مقننه: وضع قوانین متناسب بانیاز جامعه که با احکام و مسائل شرعی مغایر نباشد؛ نظارت بر مقررات موضوعه باتوجه به مقتضیات روز؛ تشخیص موضوع احکام در مواردی که شرع به عرف واگذار کرده است؛ تشخیص موارد نیاز به احکام ثانویه؛ سیاست گذاری و تمهید اجرای واجبات و مقابله بامنهیات؛ وضع مقررات، تعیین ابزار و انتخاب و اعمال بهترین شیوه اجرا؛ وضع مقررات در مواردی که حکم اولی و ثانوی وجود ندارد؛ قانونگذاری برای رفع بن بست ها و معضلات اجرای احکام و شرایط بحران. علاوه براین ها، مبانی متعددی در تعالیم سیاسی اسلام دیده می شوند که هریک فلسفه سیاسی و ضرورت تشکیل دولت در اسلام را به اثبات می رساند و این نکته بدیهی را روشن می سازد که هرچند حکم و فرمان اختصاص به خدا دارد، نیاز به مجری برای عملی ساختن فرمان خدا امری اجتناب ناپذیر است و حاکمان اسلامی اعم از رسول (ص)، امام (ع) و ولی فقیه ابلاغ کننده و مجری امر خدا به فرمان خدا هستند. از دیدگاه موازین عام فقهی، ماهیت قواعد حقوقی حاکم در مساله مسوولیت مدنی و جبران خسارت (ضمان مالی و تادیه ضرر و زیان) یکپارچه و کلی است و تنها عاملی که می تواند درپاره ای موارد قلمرو حقوق عمومی را از قلمرو آثار حقوقی خصوصی متمایز نماید، حمایت فقه اسلامی از دولت بر اساس نظریه ولایت

دولت فقیه جامع الشرایط است که دست دولت را در ایجاد و نفی مسوولیت‌ها باز می‌گذارد. (عمیدزنجانی، محمدی، ۱۳۸۵: ۱۵)

اعمال حاکمیت و اعمال تصدی

نظام اداری جزء لاینفک دولت و محل بروز اعمال حاکمیت و اعمال تصدی است. تصدی امور دیگران و تصرفات قهری بر اساس مصلحت آنان (ولایت محدود فقها) که مشروعیت محدود و حاکمیت یک دولت کوچک اسلامی را توجیه و تفسیر می‌کند، به‌عنوان قدر متیقن نظریه فقهی ولایت فقیه می‌باشد. طرفداران نظریه دولت مردم سالار اسلامی، با اقتباس از دموکراسی غربی، شورا و بیعت را به این معنا تفسیر می‌کنند که حاکمیت در اسلام به مردم تفویض شده و خلافت نوعی قرارداد اجتماعی برای تفویض حاکمیت از سوی مردم به دولت است. در استدلال‌های این گروه، شرط فقاہت که در حدیث منقول از امام صادق (ع) آمده و مستند نظریه ولایت فقیه به‌عنوان زیر بنای مشروعیت حکومت با رای مردم قرار گرفته است به کلی نادیده گرفته می‌شود. در مدیریت حقوقی قراردادها توسط دولت اسلامی سوال‌های عمده زیر مطرح می‌شود: ۱. آیا دولت باید در مدیریت قراردادها نظارت کند و انعقاد و اجرای قراردادها را به مردم واگذارد یا آن که دولت اداره‌کننده سیستم است و مردم فرمان بردارند؟ ۲. نحوه نظارت در نظام اداری و مدیریت قراردادی چگونه است؟ ۳. دولت می‌تواند کنترل قراردادهای اقتصادی را در اختیار داشته باشد یا صرفاً حق نظارت بر بخش خصوصی و دریافت مالیات را به میزان نیاز اداره جامعه دارد؟ در پاسخ به سوالات فوق باید دو سیستم انتظامی (اداری) و خدمات عمومی را که مبتنی بر دو نظریه «اصالة الاباحه» و «اصالة الجواز» هستند مورد بررسی قرار داد. در مبحث نظام اداری که هدف از ایجاد آن حداکثر استفاده از حداقل منابع است. تا نقش محوری توأم با قدرت را در قبال مصالح جامعه عهده دار گردد. باید وجود چنین نظامی را ابزار تحقق اهداف و آرمان‌های کلی اسلام دانست. خطابات کلی قرآن و اصول نظم، حکمت، تبعیت و عدالت از دلایل این ضرورت هستند. دیدگاه مدیریت اسلامی، ضرورت نظارت بر سیستم اداری را در قالب امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به خیر، نصیحت ائمه مسلمین و نظارت‌های ویژه حکومتی مورد تاکید قرار می‌دهد. (عمیدزنجانی، محمدی، ۱۳۸۵: ۲۴)

دخالت دولت‌ها در قراردادهای خصوصی

به لحاظ اجرایی دولت به دو شیوه در قراردادهای خصوصی وارد می‌شود. دولت یا با اعمال حاکمیت در توافقات خصوصی مشارکت می‌کند و یا با تصدی‌گری اموری که برای تأمین منافع عمومی جامعه ضرورت دارد. علت اصلی وضع مقررات خاص مانند قانون کار اعمال حاکمیت دولت و حمایت از طرف ضعیف رابطه و قرارداد خصوصی می‌باشد. در این اعمال حاکمیت حتی تراضی و توافق آزاد طرفین به کمتر از حداقل حقوق و مزایای قانونی باطل بوده و موجب مسئولیت کیفری است. در این موارد خود بخود، حداقل‌های قانونی راجع به حقوق کارگر قابل اعمال می‌باشد. اعمال حاکمیت و دخالت دولت در قراردادها در راستای تحقق عدالت است. بنابراین دستگاه‌های نظارتی و دولتی بایستی با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری نموده و با رشد آن مبارزه کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، و) (۱۳۹۷)

مبنای دخالت دولت‌ها در توافقات قراردادی

به نظر برخی اندیشمندان دخالت دولت‌ها در حقوق خصوصی افراد زائیده اندیشه دولت مدرن است و مبنای شرعی ندارد. براساس تجربه، حکمرانی مدرن مشکلات کشورهای اسلامی را حل نکرد. دولت مدرن در این کشورها با بی‌اعتنایی به امور اخلاقی بر اقتدار بی‌چون و چرای دولت استوار بود. اینگونه دولت‌ها مبتنی بر تحلیل‌های فلسفی هابز و اشمیت شکل گرفته‌اند. براین اساس بنیان‌های دولت اسلامی تفاوت‌های چشم‌گیری با مبنای دولت مدرن دارد. اما تحلیل دولت مدرن در اندیشه کانت و در دیدگاه نوکانتی با مبنای دینی مشابهت زیادی دارد زیرا فضیلت‌مداری و آزادی عمل انسان‌ها فراتر از دولت قرار می‌گیرد. به نظر این گروه مشکلات مختلف سیاسی و حقوقی مسلمانان مانند نابسامانی‌های بازار کار ریشه در تقلید آن‌ها دارد چراکه آرمان‌های اسلامی هیچ مشابهتی با واقعیات دنیای مدرن ندارد. واقعیاتی که ساخته و پرداخته مسلمانان نیست. (مرادی برلیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷ و ۱۰۷)

در مقابل برخی اندیشمندان براین باورند که منافع و مقتضیات عمومی را می‌توان با قواعد شرعی تأمین نمود. براین اساس قواعد عمومی مورد نظر حقوق عمومی در بین قواعد فقهی عبارتند از: قاعده اشتراک تکلیف، قاعده عرف یا بنای عقلاء، قاعده لاضرر، قاعده نفی حرج و معذور بودن جاهل به حکم. به عنوان

نمونه در تشخیص منافع و مقتضیات عمومی سه عقد محرم بیع غرری، مقامره و رهان در رابطه با سه ضابطه خلاف حقوق عمومی: ۱- وجود بازی حاصل جمع نامثبت، ۲- وجود شروط رهن‌گذاری معین برای پاداش معین یا نامعین و ۳- وجود قاعده برد و باخت، بررسی شده است، که نتیجه نهایی آن، اکل مال به باطل و غیر اخلاقی بودن برخی قراردادها و معاملات است. بنابراین ادعا شده سفته بازی کوتاه مدت در مبادلات مالی به دلیل تأمین شروط سه گانه مذکور، می‌تواند دارای ماهیت رهان بوده و در نتیجه ناسازگار با اسلام و باطل تلقی شود. (واعظ، معینی، & درخشان) به‌طورکلی از منظر فقه اجتماعی اگر خرید و فروش و سایر معاملات که به قصد افزایش قیمت و کسب سود انجام می‌شود، سبب ظلم و اختلال در نظام اقتصادی گردد جایز نمی‌باشد. بنابراین حاکمیت بایستی با بکارگیری ابزارهای منطبق بر شریعت در همه امور اقتصادی مانند تأمین مالی پروژه‌ها و پذیرش حق فسخ معاملات زمینه معاملات ناسالم و سفته‌بازی در بازارهای مالی را کاهش دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۴) بیش از ۳۵۰ آیه قرآن حاوی کلیات، قواعد و اصول حقوق عمومی است. در جستجوی مبانی حقوق عمومی در قرآن کریم، علاوه بر واژه‌بایی در زمینه‌هایی چون «ولایت عامه»، «حسبه» و «مساوات» باید به مفهوم‌بایی و مطالعه تطبیقی آیات بر اساس فهرست موضوعات حقوق عمومی پرداخت. در مراجعه به سنت نیز ابتدا باید در نظر داشت که فقهای اهل سنت، تنها گفتار، تأیید و عمل پیامبر (ص) را به‌عنوان سنت می‌شناسند، اما فقهای شیعه با اعتقاد به کاشفیت سخنان سایر معصومان (ع) نسبت به احکام وحی و سنت پیامبر (ص)، حجیت عمل و تأیید آنان را منافی پایان وحی پس از رحلت پیامبر (ص) نمی‌دانند. اجماع از نظر بیشتر اهل سنت به معنای اتفاق نظر عموم اهل نظر و از نظر شیعه به معنای اتفاق نظر تعدادی از فقهاست و وسیله‌ای برای به‌دست آوردن سنت محسوب می‌گردد. از نظر شیعه، اجماع جمعی از فقها می‌تواند به‌طور تضمینی و یا التزامی حاکی از رای امام باشد. در قلمروی فقه به تکلیف بیش از حق و پیش از حق اهمیت داده شده است و تکالیف عمومی نیز مقدم بر حقوق عمومی مطرح می‌گردند. (عمیدزنجانی، محمدی، ۱۳۸۵: ۳۶)

دردیدگاه تکمیلی و براساس نظریه حق الطاعه دولت مکلف به دخالت در قراردادهای خصوصی است. یعنی در موارد احتمال تکلیف غیر مقارن با علم اجمالی، یا به تعبیر دیگر در شبهات بدوی، قبل از ملاحظه ترخیص یا احتیاط شرعی، مقتضای حکم عقل احتیاط است نه برائت. عقل حکم می‌کند در

موارد احتمال تکلیف باید از جهت رعایت احتمال، احتیاط کرد نه این که چون بیانی بر واقع قائم نشده است، انسان آزاد و رها است، و عقابی (استحقاق عقابی) بر ارتکاب یا اجتناب محتمل الحرمه یا محتمل الوجوب، مترتب نمی‌شود. شهید صدر معتقد است دایره حق مولا موسع است و شامل تکالیف محتمل هم می‌شود. دلیل این مسئله این است که «مولویت» مقوله‌ای مشکک است که عقل آن را به واسطه ملاکاتی چون «شکر منعم» یا «خالقیت» یا «مالکیت» درک می‌کند و هر جا که ملاک مولویت بیش‌تر محقق باشد، حق طاعت موسع‌تر است، به گونه‌ای که ممکن است در برخی مراتب ملاک، سعه حق طاعت فقط شامل اوامر و نواهی معلوم مولا باشد ولی در مورد خداوند متعال، از آن جا که ملاک خالقیت و منعیت و مالکیت در حد نهایت است، حق اطاعت نیز وسیع‌ترین دایره شمول را دارد به طوری که تکالیف احتمالی مولا را هم در برمی‌گیرد. دلیل ایشان بر این مدعا شهادت وجدان است. (لاریجانی، ۱۳۹۹)

اندیشه امامین انقلاب در چگونگی اعمال حاکمیت دولت در قراردادهای

از آنجا که بمنظور حصول اهداف عالی نظام اعمال حاکمیت دولت در قراردادهای مطلبی پذیرفته شده است، بررسی چگونگی این امر ضروری به نظر می‌رسد. پس از تدوین مقررات لازم، اگر مقبولیت عمومی برای این موضوع فراهم نشود فرایند دخالت دولت مانند هر امر دیگری به اراده جمعی و نهضت عمومی مردم ختم نشده، دوام نخواهد داشت و قاعده‌ای متروک باقی خواهد ماند. برای تأمین مقبولیت عامه که منطبق با اصول نظام باشد اقدامات زیر مفید می‌باشد؛ ۱- نسبت به گذشته بازخوانی داشته تا نقاط قوت و ضعف را بشناسیم. ۲- نقشه راه آینده را بشناسیم که حکیم انقلاب با بیانیه گام دوم این راه را نشان داده‌اند. (جوشقانیان، ۱۳۹۸). تا پیش از تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، تعریف صریحی از اعمال حاکمیتی در قوانین و مقررات به چشم نمی‌خورد. البته در ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی عبارت «اعمال حاکمیت دولت» به طور مجمل و مبهم عنوان شده بود به این ترتیب که اگر اعمال حاکمیتی برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. هرچه از ظاهر ماده مذکور چنین متبادر به ذهن می‌شود که اعمال حاکمیتی، اعمالی است که برای تأمین منافع اجتماعی و طبق قانون صورت می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد این دیدگاه چندان صحیح

نیست، زیرا اساساً همه اعمال دولت (و حتی شاید بتوان گفت هدف از تشکیل دولت)، برای تأمین منافع اجتماعی است. بنابراین نتیجه پذیرفتن تعریف فوق این خواهد بود که همه فعالیت‌های دولت را جزو اعمال حاکمیتی بدانیم، حال آنکه تردیدی نیست که کلیه اعمال دولت حاکمیتی نمی‌باشد. به هر حال علیرغم تأثیر آشکاری که تفکیک اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در حقوق و تکالیف افراد جامعه دارد، تعریف دقیقی از اعمال حاکمیتی در قوانین ارائه نشده بود. تا اینکه با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، در ماده ۸ اعمال حاکمیتی از منظر قانون‌گذار تعریف شد. وفق ماده مذکور، امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود. با توجه به تعریف فوق، آن دسته از اعمال دولت که دارای سه شرط زیر باشد، جزو اعمال حاکمیتی خواهد بود.

- ۱- انجام آنها سبب اقتدار و حاکمیت کشور گردد؛ اقتدار و حاکمیت در اینجا معنایی عام دارد و اقتدارکشور در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... را در بر می‌گیرد.
 - ۲- منافع آن شامل همه اقشار جامعه گردد؛ سرایت منفعت اعمال حاکمیتی به افراد جامعه ممکن است به طور مستقیم و یا غیرمستقیم باشد.
 - ۳- هر یک از افراد جامعه می‌توانند بدون اینکه محدودیتی برای دیگران به وجود آید، از خدمات مربوط به امور حاکمیتی برخوردار شوند.
- لازم به توجه است، مقنن برخی از مصادیق امور حاکمیتی را به‌طور تمثیلی در ذیل ماده ۸ بیان نموده است. این موارد عبارتند از:
- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.
 - برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد.
 - ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضييع حقوق مردم.
 - فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.
 - قانون‌گذاری، امور ثبتي، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضائی.
 - حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی.

- ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.

- اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی.

- حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.

- تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.

- ارتقاء بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماریها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحرانهای عمومی.

- بخشی از امور مندرج در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ این قانون نظیر موارد مذکور در اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی می‌باشد که انجام آن توسط بخش خصوصی و تعاونی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی با تأیید هیأت وزیران امکانپذیر نیست. بنابراین امور مربوط به حمایت‌های تأمین اجتماعی و آموزش و پرورش جزو امور حاکمیتی می‌باشد

- سایر مواردی که با رعایت سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری به موجب قانون اساسی در قوانین عادی جزء این امور قرار می‌گیرد. از جمله اموری که طبق سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام رهبری جزو امور حاکمیتی می‌باشد عبارت است از اصلاح نظام اداری و قضائی، رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور، تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور.

نقطه مقابل اعمال حاکمیت، اعمال تصدی است. اعمال تصدی‌گری در ماده واحده قانون تعیین مرجع دعاوی بین افراد و دولت مصوب ۱۳۰۷، تعریف شده است: «اعمال تصدی اعمالی است که دولت از نقطه نظر حقوقی مشابه اعمال افراد انجام می‌دهد، مانند خرید و فروش املاک ... اجاره و امثال آن.» ضمن اینکه با توجه مستفاد ماده ۱۱ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌توان گفت، اعمال تصدی‌گری اعمال مربوط به امور اقتصادی است که دولت متصدی اداره و بهره‌برداری از اموال جامعه است و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق خصوصی عمل می‌کند، از قبیل تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل، بازرگانی، مسکن و بهره‌برداری از طرح‌های آب و خاک و شبکه‌های انرژی، ارتباطات و راه. بنابراین ویژگی بارز اعمال تصدی‌گری آن است که اولاً دولت آنها را مشابه شخص حقیقی و یا حقوقی حقوق خصوصی انجام می‌دهد و ثانیاً اصول و قواعد حاکم بر آن مقررات حقوق خصوصی است نه حقوق عمومی. البته لازم به ذکر است اعمال تصدی‌گری مربوط به امور اجتماعی،

فرهنگی و خدماتی اصولاً باید از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تعیین صلاحیت شده و با نظارت و حمایت دولت انجام گیرد و فقط در مواردی که انجام امور تصدی‌های موصوف به شیوه‌های فوق‌الذکر مقدور نباشد، دولت موظف به ایجاد و اداره واحدهای دولتی خواهد بود.

دخالت غیرمستقیم و ترویج مکانیسم خودکنترلی افراد از طریق اخلاق و دین

دولت اسلامی با فراگیر نمودن فرهنگ زهد و تحقیر دنیا و آخرت‌گرایی، مواسات، جود و سخاوت، موارد نیاز به اعمال حاکمیت را به حداقل می‌رساند. با نهادینه شدن فضیلت زهد در جامعه فزونی تولیدات و خدمات لازم به صورت تقریباً همگن بین تمام افراد جامعه توزیع شده و تقاضا برای کالای تجملی به حداقل می‌رسد. مواسات در زندگی به معنای مشارکت و تقسیم در معاش و رزق است (مصری، ۱۴۱۰ق: ۳۵) هر شخصی که این ارزش اخلاقی را در زندگی حاکم نماید سایر انسان‌ها را در رفاه و آسایش خویش سهیم می‌کند. (البرجوردی، ۱۳۹۹ق: ۴۲) هرچند مواسات از واجبات مالی به شمار نمی‌آید، اما روایاتی داریم که جامعه بدون مواسات، اسلامی نیست. (العلامة المجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۱) براین اساس سبک زندگی اسلامی بر رویه‌های حمایتی و اخلاق مواسات و همدلی تمرکز می‌یابد. درکشور ما نیز با اشاره رهبری رزمایش گسترده‌ای به وجود آمد این جوشش مردمی برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، (ج)، ۱۳۹۸) مواساتی که به تبعیت از طرح حیات طیبه در جامعه رواج می‌یابد، به تدریج به فرهنگ و سبک زندگی نوین تبدیل می‌شود. مردمی که تبلور جلوه‌های مواسات باشند موفق‌ترین جوامع در الگوی سبک نوین زندگی هستند و ارزشمندترین شخصیت‌ها ایثارگرتزین آن‌هاست. تشکیل اجتماعات خانوادگی جوانان، برای نهادینه شدن مواسات توصیه شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای (ب) ۱۳۸۱) این سبک زندگی نیاز به مداخله دولت را به حداقل می‌رساند.

دخالت مستقیم و اعمال حاکمیت دولت در قراردادهای

آموزه‌های علم اصول فقه مبنای تفسیر قانون به ویژه قانون اساسی در ایران است. اگر سه رکن اساسی جریان فهم را متن، نویسنده و خواننده بدانیم، فقط دو رکن نخست مورد توجه اصولیین شیعه قرار

گرفته‌اند و احادیث متعددی که از رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام در ردّ تفسیر به رأی و منع شدید شیعیان از آن نقل شده، سبب شده است در آموزه‌های این علم، وضعیتی که خواننده در آن قرار دارد و ذهنیات او در فهم معانی الفاظ، مورد توجه کمتری قرار گیرد. از این رو بنیان‌های اندیشه عمل‌گرایی هیچ‌گاه در نزد شیعیان پذیرفته نشده و پرسش اساسی عمل‌گرایان که ناشی از مشکلات میان متنی قدیمی و نیازهای جدید است، در فقه، با مباحثی چون احکام ثابت و متغیر، تأثیر زمان و مکان در اجتهاد، مصلحت و... پاسخ گفته شود. (نیکوگفتارصفا، ۱۳۸۷: ۲۰۳) اعمال حاکمیت دولت و مبارزه با فساد و برقراری عدالت نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷) در صورتی که طرف برتر قراردادی شرایط خود را به طرف خود تحمیل نماید دولت در مقام اقامه قسط و عدل و به منظور تأمین منافع و مقتضیات عمومی دخالت می‌نماید. این اعمال حاکمیت بر اساس اصول انصاف، مسؤولیت به مفهوم ضمان فقهی با هر نوع عملی که موجب ضرر و زیان به غیر باشد، تحقق می‌یابد و غیر عمدی بودن هرگز رافع ضمان که حکم وضعی است نمی‌گردد لکن اکثر مجازات‌های تنبیهی که از عمد و سوء نیت ناشی می‌شوند و در حقیقت از آثار حکم تکلیفی هستند، با قصور و غیر عمدی بودن عمل منتفی می‌شوند و از این رو باید بین دو نوع مسؤولیت تکلیفی و مسؤولیت مدنی تفاوت قائل شد. از نظر فقهی، اصل حاکم در تحقق مسؤولیت مدنی و تأدیه خسارت و همچنین در تسری آن به اشخاص دیگر، صدق عنوان تسبیب است و مباشر تخلف منجر به خسارت هنگامی ضامن خسارت‌های ناشی از عمل خود خواهد بود که به عنوان مسبب حقیقی تلقی گردد؛ در غیر این صورت بر اساس قاعده فقهی «السبب اقوی من المباشر» باید عامل اصلی و سبب واقعی عمل مسؤول شناخته شود، خواه زیان دیده دولت باشد یا شخص. از دیدگاه موازین عام فقهی، ماهیت قواعد حقوقی در مسئله مسؤولیت مدنی و جبران خسارت (ضمان مالی و تأدیه ضرر و زیان) یکپارچه و کلی است و تنها عاملی که می‌تواند در برخی موارد قلمروی حقوق عمومی را از قلمروی آثار حقوقی حقوق متمایز کند، حمایت فقه اسلامی از دولت بر اساس نظریه ولایت دولت فقیه جامع شرایط است که دست دولت را در ایجاب و نفی مسؤولیت‌ها باز می‌گذارد. به این ترتیب، دولت می‌تواند بر اساس حاکمیتی که دارد و یا به خاطر مصلحت حفظ نظام در موردی از کارمند متخلف و به ویژه در موارد تخلف غیر عمدی حمایت کند و متقابلاً در مواردی مسؤولیت ناشی از قصور را در حکم

تقصیر تلقی کند؛ چنان که می‌تواند در موارد ضرر و زیان عمدی که از ناحیه کارمندان متوجه دولت یا اشخاص شده است، متخلف را تبرئه و یا خسارت را از بیت المال تأدیه کند. (عمیدزنجانی، محمدی، ۱۳۸۵: ۲۹) امروزه در موارد زیادی قراردادهای خصوصی از شکل سنتی روابط دو جانبه فردی و خصوصی خارج شده و جنبه صنفی، گروهی و اجتماعی به خود گرفته است و به همین دلیل دولت بایستی در حقوق و تعهدات ناشی از آن دخالت نماید. (رستمی، آخوندی، ۱۳۹۶: ۴۴) حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد. (امام خمینی (ره)، تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران - رسالت حوزه‌های علمیه - منشور روحانیت، ۱۳۶۷) در سال ۱۳۶۶ رهبر فقید انقلاب اسلامی در قضیه اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان درباره قانون کار صراحتاً اعلام کرد اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست. شورای نگهبان که خود را پاسدار فقه مصطلح حوزه‌ها می‌دانست؛ بر قرارداد دوطرفه کارفرما و کارگر تاکید و دخالت شخص ثالث را مطابق قانون شرع نمی‌دانست و صرف رضایت طرفین را در انعقاد قرارداد کار کافی می‌دانست و این در حالی بود که در شرایط فعلی وضع چنین قانونی تضییع حق کارگر بود. امام با طرح این موضوع که دولت اسلامی اختیارات مطلقه داشته و می‌تواند با تشخیص مصلحت جامعه قانون وضع کند؛ عملاً با دیدگاه شورای نگهبان که متکی به اجتهاد مصطلح حوزه‌ها بود، مخالفت کردند. امام بعداً با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام دخالت عنصر مصلحت در قانونگذاری را نهادینه کردند و نشان دادند؛ درک درستی از قانونگذاری در عصر حاضر دارند.

بطور معمول دخالت دولت در قراردادهای خصوصی در شکل تصویب مقررات آمره انجام می‌گیرد. بعنوان نمونه دولت در روابط قراردادی کار دخالت کرده و با پیش بینی کردن قواعد آمره و الزامی، به تضمین و حمایت از حقوق کارگران می‌پردازد. در ماده ۱۳ قانون کار چنین آمده است: «در مواردی که کار از طریق مقاطعه انجام می‌یابد، مقاطعه دهنده مکلف است قرارداد خود را با مقاطعه کار به نحوی منعقد نماید

که در آن مقاطعه کار متعهد گردد که تمامی مقررات این قانون را در مورد کارکنان خود اعمال نماید.» در صورتی که طرفین به این تکلیف قانونی توجه نکنند در آن بخشی که مقررات آمره رعایت نشده است توافق آنها باطل می‌باشد. پیش‌بینی و تعیین حداقل دستمزد کارگران توسط دولت (شورای عالی کار) در ماده ۴۱ و ۴۲ و بیمه کردن کارگران موضوع ماده ۱۴۸ و رعایت حداقل ساعت کار در هفته موضوع ماده ۵۱ و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاه موضوع ماده ۴۹ و رعایت مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار توسط کارفرما موضوع ماده ۹۵ و تبصره ۲ و الزام به تعطیل یک روز در هفته موضوع ماده ۶۲ و تبصره ۲ قانون کار در جهت تأمین منافع عمومی مصادیق دیگری از دخالت دولت در قراردادهای خصوصی می‌باشد.

قوانین آمره یا امری مقرراتی هستند که از الزام شدیدی برخوردارند به نحوی که نمی‌توان بر خلاف آنها توافق نمود این سری از مقررات بیشتر راجع به نظم عمومی است و برای متخلف از آن ضمانت اجرای شدید پیش‌بینی شده است مانند شرایط اساسی صحت معاملات (اهلیت طرفین قرارداد، قصد و رضایت طرفین، معین بودن عوضین، مشروعیت جهت معامله) که عدم رعایت آن موجب برهم زدن نظم اقتصادی جامعه می‌شود و هرگونه توافقی در جهت تغییر قانون باطل است. رای وحدت رویه دیوانعالی کشور در مورد ابطال توافق قراردادی بانکها بر سود بیش از نرخ بانک مرکزی بر این اساس می‌باشد. (رای وحدت رویه شماره ۷۹۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۹)

در مقابل مقررات آمره، قوانین تکمیلی یا تفسیری مقرراتی هستند که طرفین می‌توانند برخلاف آن توافق نمایند ولی اگر هیچ‌گونه توافقی نداشتند قانون در مقام تکمیل اراده ناقص و یا تفسیر اراده مبهم طرفین رابطه حقوقی اجرا می‌گردد مانند نرخ خسارت تاخیر تأدیه راجع به دینی که وجه رایج باشد که براساس نرخ میانگین شاخص کالا و خدمات (نرخ تورم) محاسبه می‌شود به شرطی که طرفین برخلاف آن توافق ننموده باشند پس در قراردادهای بانکی که برخلاف آن توافق می‌گردد مبنای محاسبه توافق طرفین می‌باشند. بنابراین بیشتر محتویات قراردادها در محدود مقررات تکمیلی است که مربوط به منافع طرفین است برخلاف قواعد آمره که به منافع جامعه مرتبط است.

در موارد تعارض ضرورت مبرم اجتماعی با منافع فردی و حقوق خصوصی افراد، اولویت با مصلحت اجتماعی است، چرا که بقای فرد نیز وابسته به جامعه می‌باشد. در تزاخم مصلحت فردی با مصلحت

اجتماعی، عقلانیت کلان نگر و عدالت محور دینی، در پاره‌ای موارد با انگیزه‌هایی همچون حفظ امنیت و منافع ملی و حکومتی، حفظ حوزه اخلاق اجتماعی، حفظ حقوق کار و حفظ بهداشت عمومی، با تکیه بر برخی مستندات نظیر تقدیم اهم بر مهم، جلوگیری از اختلال نظام و حفظ دین، از طریق سازوکارهایی جدی حدود و ثغوری را برای مصلحت فردی تعیین نموده است و دفاع از حوزه عمومی و تقدم مصلحت جمعی را بر مبانی فقهی پشتیبان حریم خصوصی همچون سلطه، عدم ولایت، رازداری، ممنوعیت تجسس و مواردی نظیر امر حسبیه مقدم داشته است. (دانش‌پور، ۱۳۹۵)

نتیجه‌گیری

به نظر برخی فقها و برگرفته از اندیشه امامین انقلاب در مواردی که طرف برتر قراردادی شرایط خود را به طرف مقابل تحمیل می‌نماید دولت اسلامی موظف است در مقام اقامه قسط و عدل و به منظور تأمین منافع و مقتضیات عمومی در روابط خصوصی افراد دخالت نماید. این اعمال حاکمیت بر اساس اصول انصاف، مسؤولیت به مفهوم ضمان فقهی با هر نوع عملی که موجب ضرر و زیان به غیر باشد، تبیین می‌شود. دولت اسلامی بایستی به منظور اقامه قسط و عدل در قراردادهای خصوصی اعمال حاکمیت نماید. این امر، به ویژه در شرایط فعلی که مردم از نابرابری بیشتر توزیع درآمد، رنج می‌برند ضروری می‌باشد.

فهرست منابع

- آیت الله خامنه‌ای، س. (۱۳۹۹، ۳۱). الف- سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران. بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: <https://www.leader.ir/fa> و <https://farsi.khamenei.ir>
- آیت الله خامنه‌ای، س. (۱۳۸۱، ۹۱۵). ب- بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر.
- آیت الله خامنه‌ای، س. (۱۳۹۸، ۱۲۱۲). ج- بیانات در روز درختکاری.
- آیت الله خامنه‌ای، س. (۱۳۹۸، ۲۱۸). د- بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه.
- آیت الله خامنه‌ای، س. (۱۳۸۲، ۵۶). ه- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ...

آیت‌الله خامنه‌ای، س. (۱۳۹۷، ۱۱، ۲۲). و- بیانیه مهم و راهبردی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی. ...

البروجردی، س. (۱۳۹۹ق). جامع احادیث الشیعة ج ۱۶. قم: المطبعة العلمية.

الحرّ العاملی، م. (۱۴۰۳ق). (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعة. تهران، چاپ ششم: مکتبه الاسلامیه، ج ۱۲. العلامة المجلسی. (۱۴۰۳ق- ۱۹۸۳م). بحارالانوار، باب ۲۴- ما روي عن الصادق (ع) من وصایاه لأصحابه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ج ۷۵.

امام خمینی (ره)، ر. (۱۳۴۳، ۲۶۱). تحلیلی از قیام ۱۵ خرداد، عملکرد دولت و رسالت علما و روحانیون. بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی

خامنه‌ای (مدظله‌العالی): <https://farsi.khamenei.ir/sahifeh-content?id=۱۳۱۱۸>

امام خمینی (ره)، ر. (۱۳۶۷، ۱۰، ۸). اختیارات «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و تذکر به شورای نگهبان. بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی

خامنه‌ای (مدظله‌العالی): <https://farsi.khamenei.ir/sahifeh-content?id=۱۶۵۹۷>

امام خمینی (ره)، ر. (۱۳۶۷، ۱۲، ۲). تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران. رسالت حوزه‌های علمیه. منشور روحانیت. بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی

سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی): <https://farsi.khamenei.ir/sahifeh-content?id=۱۶۶۳۸>

امام خمینی (ره)، ر. (۱۳۶۷، ۸، ۱۰). منشور برادری. مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی. بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای

(مدظله‌العالی): <https://farsi.khamenei.ir/sahifeh-content?id=۱۶۵۶۸>

جوشقانیان، ح. (۱۳۹۸، ۱۰، ۱۲). بیانیه گام دوم انقلاب، نقشه راه همه است Retrieved from .

خبرگزاری رسمی حوزه <https://www.hawzahnews.com/news>

حسینی، س. (۱۳۷۹). الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان. تهران، چاپ اول: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

دانش‌پور، ا. (۱۳۹۵). بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با

رویکردی بر مبانی فقه اسلامی. فقه مقارن، ۱۵-۴۵.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۱). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران، چاپ اول: سمت.

رستمی، و.، آخوندی، ف. (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی طرق اجرایی دخالت دولت در روابط کار در حقوق

کار ایران. فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، ۳۶-۶۲.

- رضایی زاده، م.، کاظمی، د. (۱۳۹۱). بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوقی معاصر، ۲۳-۴۶.
- ساموئلسن، پ.، ترجمه پیرنیا، ح. (۱۳۵۰). اقتصاد. تهران، چاپ پنجم: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شورای عالی اداری. (۱۳۹۵، ۱۲، ۲۸). سامانه مقررات اداری، استخدامی و مالی (شناسنامه قانون). بازیابی از (مصوبه شماره ۱۱۲۷۱۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸) حقوق شهروندی در نظام اداری: <https://shenasname.ir/subjects/salamat/۳۷۳۴-۱۱۲۷۱۲۸>
- طباطبایی، س. (۱۳۹۴). مقاله تاملی فقهی در بورس. فقه مقارن، ۱۵۷-۱۸۴.
- عمیدزنجانی، ع.، محمدی، م. (۱۳۸۵). منابع و مبانی حقوق عمومی در اسلام. حقوق خصوصی «اندیشه های حقوقی»، ۵-۳۴.
- عیوضلو، ح. (۱۳۸۹). مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام. دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۵-۲۶.
- قائمی، س.، مددی، م. (۱۳۹۷). مکاتب فلسفی کلامی حقوق عمومی (معماها بسترها و مصادیق در غرب و الهیات سیاسی اسلام). نخستین جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی جایزه ویژه علامه جعفری، ۱-۱۸.
- قران مجید، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی. (۱۳۸۵). سوره حدید. قم: انتشارات.
- لاریجانی، ص. (۱۳۹۹، ۱۴). دفاع از قبح عقاب بلایان ... (خارج اصول فقه). بازیابی از مدرسه فقهی امام محمدباقر (ع): <https://fa.mfeb.ir/taqirir>
- محمدولی، م.، صفر آهنگ، ر. (۱۳۹۸). بازسازی معماری سازمان ناجا بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. مطالعات راهبردی ناجا، ۶۱-۹۱.
- مرادی برلیان، م.، حسینی بهشتی، س.، قاری سیدفاطمی، س. (۱۳۹۷). دولت ممتنع: خوانش انتقادی نظریه امتناع دولت مدرن اسلامی حلاق. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۸۱-۱۱۲.
- مصری، ج. ب. (۱۴۱۰ق). لسان العرب. بیروت، اول، ج ۱۴: دارالفکر.
- مطهری، م. (۱۳۹۳). عدل الهی جلد ۲. تهران: انتشارات صدرا.
- نیکوگفتارصفا، ح. (۱۳۸۷). رویکردهای تفسیر قانون اساسی در ایران و آمریکا. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۰۱-۲۵۷.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور. (۱۳۹۹، ۲۱۵). رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۹
 هیأت عمومی دیوان عالی کشور. بازیابی از روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران:

[/http://www.rrk.ir](http://www.rrk.ir)

واعظ، م.، معینی، ش.، درخشان، م. (بدون تاریخ). مقایسه تحلیلی سفته بازی و کارآفرینی از منظر
 اخلاق اسلامی و رشد اقتصادی. فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی.

ویژه، م.، تنگستانی، م. (۱۳۹۳). حق فسخ و انفساخ قراردادهای پیمانکاری دولتی (تحلیل موردی
 مقررات شرایط عمومی پیمان). فصلنامه حقوق، ۱۰۵-۱۲۴.

یدالله پور، ب مؤدب، س. (۱۳۹۳). کرامت انسان و الزامات آن از منظر قرآن کریم. فصلنامه علمی

مطالعات تفسیری، ۷۵-۹۰.